

جستاری در اختلال روانی دو قطبی بر سلب حضانت پدر

طه زرگریان، استادیار حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).

نویسنده مسئول: نگار آزاد مهر، دانش آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)،

پردیس چهره پرداز، دانش آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)،

چکیده

حقوق خانواده از مهمترین اقسام حقوق در همه جوامع و بالخصوص جامعه ایرانی است؛ زیرا عقد نکاح بطور مستقیم با نهاد خانواده و حقوق زوج، زوج و فرزندان در ارتباط است. از جمله موضوعات مهمی که در دسته حقوق خانواده دسته بندی می شود؛ موضوع «حضانت» است. حضانت نوعی ولایت و سلطنت بر کودک و مجنون به منظور نگهداری و تربیت آنهاست که از جمله حقوق و تکالیف والدین به شمار می رود. بطور دقیق تر می توان گفت که حضانت؛ نگهداری و تربیت اطفال است به گونه ای که صحت جسمانی و تربیت وی با توجه به نیازمندی های حال و آینده او، و وضع و موقعیت والدین طفل تامین می گردد. مساله حضانت و اولویت هریک از پدر و مادر برای نگهداری و سرپرستی و ملاقات آنان با طفل، زمانی مطرح می شود که زوج و زوجه از هم جدا می شوند. موضوع حضانت مطابق با قوانین ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی و همچنین در قانون حمایت از خانواده طی مواد ۴۰ تا ۴۷ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. قانونگذار مدنی، موارد سلب حضانت از زوج یا زوجه را بطور انحصار در قوانین موضوعه گردآوری کرده است؛ لکن در میان آن موارد، «اختلال روانی دو قطبی» زوج یا زوجه هیچ جایگاهی نداشته و به آن اشاره نشده است. ویژگی های «اختلال روانی دو قطبی» در زوج یا زوجه در سطوح مختلف بگونه ای است که آثار آن بر موضوع حضانت قابل توجه است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی درصدد ارزیابی چگونگی آثار «اختلال روانی دو قطبی» بر سلب حضانت است.

واژگان کلیدی: والدین- حضانت- اختلال دو قطبی- سلب حضانت.

۱. بیان مسئله

موضوع حضانت فرزند در نظام حقوق ایران، هنگامی مورد طرح قرار می گیرد که زوج و زوجه از یکدیگر طلاق گرفته و اکنون باید تکلیف سرپرستی فرزندشان مشخص شود. حضانت در ادبیات حقوق ایران عبارت است از نگاه داری کودک و حمایت جسمی و عاطفی از او توسط اشخاصی که مطابق قانون برای انجام این کار در نظر گرفته شده است. موضوع حضانت و احکام و مقررات آن، همگی از نظام فقه مدنی تبعیت کرده و مطابق با احکام آن تنظیم شده است. قانونگذار مدنی تلاش کرده است با در نظر گرفتن احکام فقهی به مسئله حضانت بپردازد و ابعاد مختلف آن را مورد تقنین قرار دهد. از جمله مهمترین ابعاد موضوع حضانت؛ موضوع مواردی که موجب سلب حضانت از مادر یا پدر فرزند می شود. مواردی در نظر فقه مدنی موجود است که اگر آن موارد در پدر یا مادر موجود باشد؛ آنگاه پدر یا مادر از نظر فقهی نمی توانند به حضانت فرزند خود اقدام نمایند، تعریف مذکور را اصطلاحاً «سلب حضانت» می نامند. قانونگذار مدنی هم با در نظر گرفتن آن موارد نظام فقه مدنی به تقنین سلب حضانت پرداخته و موارد سلبی را در قانون ذکر کرده است. لکن با توجه عصر حاضر و حالات یا وضعیت های مختلفی که برای پدر یا مادر پیش می آید؛ این مسئله رخ می نماید که آیا موارد دیگری هم می تواند به آن موارد سلبی اضافه شود یا خیر. از جمله مواردی که ارزیابی آن با توجه به اهمیت آن قابل بحث است؛ مورد «اختلال روانی دو قطبی» پدر یا مادر است. با ارزیابی رفتار پدر یا مادری که دارای اختلال روانی دو قطبی است، معلوم می شود که رفتار چنین افرادی با پدر و مادرهای عادی متفاوت است. افرادی که مبتلا به اختلال روانی دو قطبی هستند در رفتار خود با فرزندان شان می توانند خطرناک باشند. خطرناک بودن رفتار آنان با توجه به عوامل متعدد شخصیتی، رفتاری، روحی و... از سطوح مختلفی برخوردار است که در مواقعی می تواند موجب پدید آمدن حالات خطرناک یا بسیار خطرناک برای فرزند آنان شود. حضانت فرزند به هنگامی جدایی والدین از یکدیگر، امر مهمی برای شریعت اسلامی و حقوق ایران و البته حفظ نهاد خانواده است؛ بر اساس مطالب مذکور، جای این بررسی است که اختلال روانی دو قطبی تا چه میزان می توان به موارد دیگر سلب حضانت اضافه شده و پدر یا مادری را که چنین حالاتی دارند را از سرپرستی و حضانت فرزندشان، سلب کند.

۲. مفهوم شناسی

۱.۲. حضانت

۱.۱.۲. حضانت در لغت: حضانت از جمله واژگان عربی از ریشه «حَضَنَ» به معنای در بغل گرفتن کودک ، پروردن و پرورش دادن کودک است (ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ۱۴۱۴، الناشر: دار صادر – بیروت).

۲.۱.۲. حضانت در اصطلاح حقوقی: حضانت در دانش حقوقی به معنای نگاه داری کودک و حمایت جسمی و عاطفی از او توسط اشخاصی است که مطابق قانون برای انجام این کار در نظر گرفته شده است (صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد دو، ص ۴۰۸؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، گنج دانش، جلد ۱، شماره ۱۷۲۰).

۳.۱.۲. اختلال دوقطبی: اختلال دو قطبی «Bipolar disorder» از جمله حالات روانی است که افراد دچار آن می شوند؛ نام های دیگر اختلال دوقطبی عبارت هستند از افسردگی و شیدایی. افراد در سنین مختلف می توانند درگیر اختلال دو قطبی شوند (سوزان کراس ویتبورن و ریچارد پی هالچین، مترجم یحیی سید محمدی، آسیب شناسی روانی، سال ۱۴۰۰، جلد ۲، ص ۳۰۶). فرد اختلال دو قطبی، خلق و خوی خاصی دارد که می تواند غیر قابل پیشبینی باشد؛ دو حالت افسردگی و شیدایی از شاخص های این حال است (شعیمی، فاطمه، مقاله دوقطبی، سال ۱۳۹۲ ص ۹)

۴.۱.۲. اختلال روانی: اختلال روانی عبارت از همان بیمار روانی است که به طیف گسترده ای از شرایط سلامت روان اشاره دارد (مهدی گنجی، آسیب شناسی روانی براساس DSM_5، جلد ۲، ص ۲۰، ساوالان). اختلالات روانی بر خلق و خو، تفکر و رفتار تأثیر می گذارد. (یحیی سید محمدی، آسیب شناسی روانی، سال ۱۴۰۰، جلد ۱، ص ۱۰)

۳. اهمیت مسئله

حضانت که به معنای سرپرستی فرزند می باشد از جمله مهمترین مسائل نهاد خانواده است. اگر فردی که حضانت فرزند را به عهده گرفته است خود از ویژگی های اخلاقی صحیحی برخوردار نباشد، می تواند مسیر

تربیتی فرزند را به قهقرا برد. حال اگر فردی که حضانت فرزند را به عهده گرفته است ویژگی های خطرناکی مانند اختلال دو قطبی داشته باشد، می تواند آسیب های متعددی که بعضاً جبران ناپذیر هستند را برای فرزند به همراه داشته باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر از این جهت اهمیت دارد که اگر بتوان اختلال دو قطبی را در سلب حضانت تشخیص داد؟، از آسیب های مهمی به فرزند جلوگیری می شود.

۴. پیشینه پژوهش

با تتبع در آثار پژوهشی می توان دریافت که پژوهشگران عرصه دانش روان پزشکی، مقالات متعددی درباره اختلال دو قطبی به رشته تحریر درآورده اند، اما موضوع ارزیابی اختلال دو قطبی بر موضوع حضانت از جمله موضوعاتی است که مورد تحقیق و بررسی حقوق دانان قرار نگرفته است. بر اساس مطالب مذکور، پژوهش حاضر را می توان نخستین پژوهش منسجم در این باره دانست.

۵. موضوع شناسی

۱.۵. انواع اختلال دو قطبی: اختلال دو قطبی دارای دو تقسیم نوع یک و دو به شرح ذیل است:

۱.۱.۵. اختلال دوقطبی نوع یک: در اختلال دوقطبی نوع اول شخص حتما یک دوره از حالت شیدایی یا مانیا را پشت سر می گذارد؛ حال این دوره می تواند با حالت افسردگی همراه باشد یا هیچ دوره ای از حالت افسردگی تجربه نشود (سید فرنام، مجموعه داستان های افسردگی و دو قطبی، جلد ۱، ص ۴۰)

۱.۲.۵. اختلال دوقطبی نوع دو: در نوع دوم از این اختلال که بیشتر گریبان گیر زنان است، فرد بیمار دوره های حالت افسردگی شدید را تجربه می کند. اگر این دوره ها همراه حالت مانیا باشد این حالت شدت کمتری دارد که به آن شیدایی خفیف یا Hypomania گفته می شود (سید فرنام، مجموعه داستان های افسردگی و دو قطبی، جلد ۱، ص ۴۰)

۲.۵. عوامل موثر بر اختلال دو قطبی: عوامل زیر را می توان به عنوان مهمترین عوامل موثر بر

اختلال دو قطبی در نظر گرفت:

● عوامل ژنتیکی

● عوامل محیطی

● وضعیت هورمون ها در بدن

● استرس: یکی از مشکلات و عوارض استرس بیش از اندازه، این است که میتواند باعث ایجاد چنین پدیده‌ای در فرد گردد.

● مصرف بیش از اندازه مواد مخدر یا نوشیدنی‌های الکلی

● برخی از بیماری‌های مغزی نیز ممکن است منجر به به وجود آمدن این اختلال شوند. (سید فرنام، مجموعه داستان‌های افسردگی و دو قطبی، جلد ۱، ص ۴۰)

۳.۵. نشانه‌های بیماری اختلال دوقطبی: اختلال دو قطبی دارای نشانه‌هایی است که علائم ذیل از مهمترین نشانه‌ها در این بیماری می باشد:

- اعتماد به نفس بالا
- احساس خوشی و نشاط فراوان
- افزایش فعالیت‌های فیزیکی
- تندتند حرف زدن
- افزایش میزان انرژی در بدن
- بالا رفتن میزان انرژی جنسی
- احساس پریشانی
- اختلالات خواب (به دلیل میل برای انجام فعالیت‌های زیاد احساس بی‌نیازی از خواب دارند.

اما در زمان افسردگی این نشانه‌ها متفاوت و به شرح زیر است:

- احساس غمگین بودن بسیار زیاد
- احساس ناامیدی
- اضطراب و استرس
- میل به خودکشی

● خستگی بیش از اندازه

● داشتن احساس درد (بدون وجود درد حقیقی در بدن)

● کاهش بهره‌وری در کارهای روزمره

● ناتوانی در تمرکز بر روی کارها یا موضوعات

● بی‌علاقگی به انجام کارهای روزانه خود

● بدخواهی

● بی‌میلی به غذا (سید فرنام، مجموعه داستان‌های افسردگی و دو قطبی، جلد ۱، ص ۴۰).

۴.۵. **سلب حضانت از والدین:** در خصوص سلب حضانت فرزند از مادر یا سلب حضانت فرزند از پدر، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی بیان می‌کند که «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.» همانگونه که در قانون مدنی پیش بینی شده است، حضانت کودکان تا سن هفت سالگی به عهده مادر است و از آن به بعد، در صورتی که پدر شرایط لازم برای حضانت فرزند را داشته باشد، تا سن بلوغ، حضانت فرزند خود را به عهده خواهد داشت. بر این اساس، حضانت فرزند دختر از سن هفت سالگی تا سن نه سالگی با پدر است و حضانت فرزند پسر نیز از سن هفت سالگی تا سن پانزده سالگی (سن بلوغ) بر عهده پدر قرار خواهد گرفت. فارغ از بحث سن حضانت فرزند، در قانون مدنی مواردی پیش بینی شده است که در صورت وجود آنها، حضانت از دارنده آن لغو می‌گردد و دیگر نمی‌توان حضانت فرزند را به شخص مورد نظر سپرد که موارد سلب حضانت در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. به موجب این ماده: "هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند." در ادامه برخی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین بیان شده است که بر اساس آن، سلب حضانت از پدر و همچنین سلب حضانت از مادر امکانپذیر است:

● اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار

● اشتها به فساد اخلاق و فحشا

● ابتلاء به بیماری های روانی با تشخیص پزشک قانونی

● سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء ، تکدی گری و قاچاق

● تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف "

همانگونه که ملاحظه می شود ، در بند ۳ ماده یکی از علت های سلب حضانت از پدر یا مادر ، ابتلا به بیماری های روانی است . لذا در شرایطی که پدر کودک مبتلای به یکی از انواع بیماری های روانی شده باشد ، به حکم قانون مدنی می توان از وی سلب حضانت نمود ؛ چرا که اصولا بیماری های روانی سبب از بین رفتن قدرت و صلاحیت به عهده گرفتن حضانت فرزند توسط شخص مبتلا به بیماری های روانی خواهد شد و از همین طریق مصلحت کودک به خطر خواهد افتاد .

۶. تاثیر اختلال دو قطبی بر مغز

ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا این اختلال بر مغز فرد بیمار نیز اثرگذار است؟ پاسخ این است: بله. طبق تحقیقاتی که با اسکن ام آر آی مغز بیش از ۲۰۰۰ بیمار انجام شد، این نتیجه حاصل شد که در مغز افراد مبتلا به اختلال دوقطبی کاهش ماده خاکستری مغز به صورت چشم گیری دیده می شود. گفتنی است این کاهش بیشتر در قسمت های لوب پیشانی و لوب گیج گاهی اتفاق می افتد. لازم به ذکر است که این دو بخش مسئولیت مهار کردن هیجان ها و احساس را در مغز دارند. بیشترین نورون های حساس به دوپامین در بخش لوب پیشانی قرار دارند. از وظایف مهمی که این بخش از مغز بر عهده دارد می توان به تمرکز، حرف زدن، اعمال ارادی، تعیین شخصیت و ... اشاره کرد. پس بدیهی است که بر اثر این اختلال شاهد کاهش کارایی فرد و اختلال در تمرکز و تغییر چشم گیر در ویژگی های شخصیتی وی باشیم. لوب گیج گاهی نیز یکی از لوب های اصلی مخ بوده که کارکردهایی مانند پردازش اطلاعات دریافتی از طریق حس بینایی یا شنوایی، سازمان دادن، درک زبان و ... را بر عهده دارد. دانستن این نکته نیز خالی از لطف نیست که قسمت سمت چپ هیپوتالاموس چنین افرادی تا پنج درصد از افراد معمولی بزرگتر است. به طور کلی می توان گفت این اختلال سبب می شود که کارکرد مغز افراد تا حد زیادی کاهش پیدا کند. همچنین فرآیند ترمیم مغز به طریقی متوقف شده و به همین دلیل سلول های عصبی در مغز این افراد بدون استفاده می ماند. نتیجه ی چنین شرایطی بروز رفتارهای غیرعادی از فرد مبتلاست. اشخاص عهده دار حضانت فرزند دختر و

پسر، در درجه اول، والدین آن‌ها هستند. در واقع، این امر، حق و تکلیف آن‌ها می‌باشد. اما، زمانی که موارد سلب حضانت وجود داشته باشد یا هردوی آن‌ها فوت کنند و به هر علتی، در دسترس نباشند، اشخاص عهده دار حضانت، دیگر، والدین فرزند، نخواهند بود. در صورت وجود موارد سلب حضانت که شامل داشتن مصادیق انحراف اخلاقی یا رفتارها و اعمال خلاف مصلحت طفل، همچنین، جنون و ازدواج مجدد مادر می‌باشد یا در صورتی که والدین، به هر علتی در دسترس یا در قید حیات نباشند، اشخاص عهده دار حضانت، در ابتدا، جد پدری آن‌ها یا وصی منصوب بوده و در صورت نبود این افراد یا عدم صلاحیت آن‌ها، جد مادری یا هر شخصی که دادگاه تعیین کند، خواهد بود (سید فرنام، مجموعه داستان‌های افسردگی و دو قطبی، جلد ۱، ص ۴۰).

۷. ارزیابی موانع حضانت از والدین

به طور کلی زمانی که بحث موانع حضانت مطرح می‌شود، منظور مواردی است که در صورت ایجاد خلل در یکی از شرایط دارنده حضانت، عدم مواظبت از کودک یا ناتوانی در انجام دادن وظایف، حضانت به کلی از پدر یا مادر حضانت‌کننده سلب می‌شود و به دیگری واگذار خواهد شد. اساساً به موجب ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی: "طفل را نمی‌توان از ابوی و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت؛ مگر در صورت وجود علت قانونی". لذا با بروز یکی از موانع حضانت، حضانت از پدر یا مادر دارنده حق اولویت سلب شده و به دیگری منتقل می‌شود و در صورت فوت یا عدم صلاحیت وی، مطابق قواعد واگذاری حضانت مذکور عمل می‌شود. گرچه در کتاب‌های فقهی بیشتر درباره موانع حضانت مادر بحث می‌شود، ولی مواردی که مانع اجرای حق حضانت می‌شوند، جز در مورد ازدواج مجدد مادر پس از طلاق، میان پدر و مادر مشترک است و هر دوی پدر و مادر را شامل می‌شود.

یکی دیگر از موانع حضانت بر اساس فقه، فسق یا انحطاط اخلاقی والدین است. در همین راستا ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد: "هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. در ادامه این ماده نیز مصادیقی از انحطاط اخلاقی والدین آورده شده است که عبارتند از: ۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛ ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا؛ ۳. ابتلا

به بیماری های روانی با تشخیص پزشکی قانونی ؛ ۴ . سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا ، تکدی گری و قاچاق ؛ ۵ . تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف " . البته بر اساس این ماده می توان موانع دیگری را نیز برای حضانت بر شمرد که عبارتند از امتناع حضانت کننده از انجام تکالیف قانونی خود ، ناتوانی در نگهداری کودک تحت حضانت و همچنین بیماری مسری والدین که بیم سرایت آن به فرزند وجود داشته باشد و به این لحاظ ، صحت جسمی کودک به مخاطره افتد.

۱.۷. موانع اجرای حق حضانت در فقه امامیه و حقوق ایران

الف) کفر : مسلمان کسی است که اقرار به شهادتین و معاد داشته باشد و منکر ضروری دین نباشد و گرنه کافر خوانده میشود . در اسلام کودک تبعی و تابع اشرف ب، والدین است ه این معنا که اگر یکی از والدین کودک حین انعقاد نطفه یا تولد او مسلمان باشند، هرچند بعد از آن مرتد شوند، به اسلام کودک حکم میشود . همچنین اگر یکی از والدین پس از تولد و در زمان طفولیت فرزند اسلام آورد، در این صورت نیز کودک مسلمان تبعی به شمار میرود (نجفی ۱۴۰۴ ، ج ۲، ص ۲۹). مشهور فقهای امامیه این باورند که کافر نمیتواند حضانت طفل مسلمان را بر عهده داشته باشد، هرچند مادر او باشد. بنابراین چنانچه مرد مسلمان با زن غیرمسلمان ازدواج کند و پس از بچه دار شدن از یکدیگر طلاق گیرند یا یکی از زوجین کافر، اسلام آورد یا یکی از زوجین مسلمان، کافر یا منافق شود، درحالیکه کودکانی در حضانت خود دارند، حضانت پدر یا مادر کافر ساقط میشود (، کاتوزیان ۱: ۱۳۸۹). ۶۰ با اینجا ءل نظری مذکور مخالفانی هم در میان علمای فقه شیعه دارد. در ادامه دلایل قائلان به اشتراط اسلام در حاضن و حاضنه و نقدهای وارد بر آن را بیان میکنیم :

۱. تأثیرگذاری بر کودک و ایجاد ءزمین انحراف او از اسلام (،فاضل هندی .) ۵۵۱: ۱۴۱۶ نقد: به ءواسط اینگونه مطالب نمیتوان از اطلاق روایاتی که بر اولویت مادر بر نگهداری از کودک خود دلالت دارد، دست برداشت (،روحانی .) ۳۰۶: ۱۴۱۲ به علاوه شاید بتوان گفت از آنجا که بر اساس روایات معصومین (ع) تربیت کودک و آموزش آداب و احکام به او بهطور جدی از ۷ سالگی شروع میشود و نیز بهدلیل نیاز فراوان کودک به مادر تا پیش از رسیدن به این سن، شرط اسلام مانع در اولویت مادر برای حضانت تا ۷ سالگی کودک (یا تا ۲ و ۷ سالگی در پسر و دختر بنا به قول دیگر) نخواهد بود، بنابراین این دلیل منتفی است .

۲. آیه نفی سبیل در نبود ولایت کافر بر مسلم: شخص غیرمسلمان بر مسلمان به فء اقتضای آی شری ء «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» (نساء : ۱۴۱) هیچگونه ولایتی ندارد. از آنجا که حضانت و نگهداری کودک نوعی ولایت بر او محسوب میشود، کفر مانع حضانت طفل مسلمان خواهد بود .

نقد: بر این دلیل نیز ایراداتی گرفته شده است. اولاً این دلیل در جایی کاربرد دارد که حضانت را نوعی ولایت بدانیم، بنابراین نزد کسانی که آن را ولایت نمیدانند، این استدلال ناتمام است. ثانیاً منظور از نفی سبیل در آیه، حجت است نه تسلط (نظری ۱۳۸۵: ۶، ۲، توکلی).

۳. روایت صدوق: «الاسلامُ یعلو و لا یُعلى عَلَیْهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴، ح: ۵۷۱۹). یبرخ با استناد به این حدیث معتقدند اسلام شرط تحقق حضانت است، حتی اگر بهمعنای ولایت هم نباشد، بلکه بهمعنای سزاوار بودن (باشد نجفی، ۱۰۴، ج ۳۱: ۲۸۷ چرا که اسلام برتر از همه چیز است و چیزی به او برتری نمییابد).

نقد: این حدیث صرفنظر از ضعف سندی، از نظر دلالتی نیز محل تأمل است؛ زیرا اولاً این حدیث به مسئله ارث اختصاص دارد و در صدد بیان قاعده ای کلی نیست. اگر بپذیریم که بر اصل کلی دلالت دارد از نظر معنایی مجمل است (نظری ۱۳۸۵: ۶۲، توکلی).

به این اترتیب مخالف هُن با رد ادل ذکر شده از سوی برخی فقها و پذیرش اینکه حضانت ولایت نیست، اسلام را شرط در حاضن یا حاضنه نمیدانند. در حقوق ایران، قانونگذار به شرط اسلام برای دارنده حضانت اشاره ای نکرده است. لیکن حقوقدانان در شرطیت آن اختلاف کردند. برخی بهقطع، کفر را مانع حضانت دانسته اند و اینگونه استدلال کرده اند که با توجه به فقه امامیه و ملاک ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی که مربوط به وصی است و اصل ۱۶۷ قانون اساسی می توان گفت کفر مانع حضانت است (صفایی و امامی، ۳۵۸: ۱۳۹۱ در ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی آمده است :

ولی مسلم نمی تواند برای امور مولیعلیه خود وصی غیرمسلم معین کند. در مقابل نظر دیگری هم وجود دارد مبنی بر اینکه در قانون مدنی میان ماده ۱۱۷۵ و ۱۱۹۲ تضادی دیده میشود. از سویی حکم ماده ۱۱۹۲ نشان میدهد که قانونگذار نیز، مانند فقیهان امامیه، نمیخواسته است که کافر بر مسلمان باولی شد و در تربیت او دخالت داشته باشد. از سوی دیگر، با اینکه ممنوع بودن کافر از حضانت مسلمان از مسلمات فقه است و بعید بهنظر میرسد که این امر از نظر نویسندگان قانون مدنی دور مانده باشد، در مواد مربوط به حضانت در این زمینه سکوت اختیار شده و به عنوان علت قانونی سقوط حضانت ذکر نش، ده است بلکه در ماده ۱۱۷۵ میخوانیم: «طفل را هر چند بلوغ از شرایط عامه تکلیف است، در مورد حضانت که نوعی سلطه و ولایت محسوب میشود، از شرایط اجماعی محسوب میشود (لطفی، ۱۳۸۹: ۲۷۲). این شرط در مورد پدر و مادر سالبه به انتفاء موضوع است؛ چراکه نظر به تعریف بلوغ در فقه شیعه و قانون مدنی ایران، مصداقی برای این مورد یعنی والدین صغیر دارای فرزند، یافت نمی شود گرچه پیش از اصلاح ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی

ایران و با توجه به تعریف بلوغ و تعیین سن ۱۸ برای آن، این شرط موضوعیت داشت). شاید به همین دلیل فقهای شیعه آن را در زمر شرایط دارنده حضانت مطرح نکرده اند.

اما در نبود والدین و جد پدری یا عدم کفایت ایشان، آنجا که کودک را باید به قیمی از میان خویشان یا نزدیکان کودک سپرد، بحث از این شرط موضوعیت مییابد. طبق ماد ۱۲۳۱ و ۱۲۱۸ قانون مدنی ایران بهطور کلی صغیر، مجنون و شخص غیررشد نمیتوانند برای سمت قیمومت انتخاب شوند .

د (جنون: شرط دیگر برخورداری از حق حضانت، عقل است. عاقل در مقابل مجنون بهکار میرود. مجنون کسی است که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا است. جنون اقسام و درجاتی دارد که جامع بین آنها «فساد عقل» است (نراقی، ۵۱۳: ۱۴۱۷ بهطور طبیعی کسی که میخواهد نگهداری و تربیت کودک را بر عهده گیرد، باید از سلامت فکری و عقلی برخوردار باشد وگرنه مصالح کودک به خطر می افتد و فلسف حضانت از بین میرود. چرا که مجنون قادر به انجام دادن تکالیف وادار امور خود نیست و نیازمند کسی است که او را تحت حمایت قرار دهد و بنابراین قادر به حفظ و حراست از کودک خود نخواهد بود . لزوم شرط عقل در حاضن و حاضنه حکمی اجماعی میان مذاهب پنج ءگان اسلامی است و در اینکه شخص دیوانه صلاحیت نگهداری کودک را ندارد، تردیدی نیست. با وجود این فقیهان امامیه در این موضوع اختلا فنظر دارند که آیا میان جنون ادواری و فراگیر تفاوتی وجود دارد یا خیر . در این زمینه در کتابهای فقهی دو رأی متفاوت یافت میشود :

۱. امکان حضانت مطلقاً: جنون مادر چه از نوع فراگیر و چه ادواری موجب از بین رفتن حق مادر در حضانت کودک نمیشود، بلکه چون سایر امور مجنون، تصمیم گیری به ولیّ مادر واگذار میشود. در نظر قائل این سخن، حضانت ولایت نیست، پس با جنون قابل جمع خواهد بو . مرحوم نجفی در جواهرالکلام پس از بیان شرط عقل برای حضانت طفل، این قول را ذکر کرده است و آن را تقویت میکند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱):

۲۸۷

۲. قول به تفصیل: این گروه معتقدند حضانت کودک را نمیتوان به مجنون سپرد، چه جنون ادواری باشد و چه دائمی، مگر اینکه دفعات بروز حالت جنون بسیار کم و مدت آن کوتاه باشد (شهید ثانی، ۴۲۳: ۱۴۱۳؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۹۴) بنابراین میان جنون ادواری بسیار خفیف و غیر آن تفاوت قائل شدهاند، در اولی حق حضانت باقی است و در دومی این حق ساقط میشود .

۳. عدم امکان مطلقاً: گروهی دیگر از فقها بدون تفصیل میان جنون ادواری و دائمی، حضانت مجنون را مطلقاً منتفی میدانند (شهید ثانی، ۴۸۶: ۱۳۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲۸۶: ۲ ج، ۱۴۱۰، خوبی؛ ۱۰۲: ۳)

ج در نظر نگارنده، حق با قائلان به تفصیل است. در نقد نظر نخست باید گفت حضانت را ولایت بدانیم یا غیر آن، مجنون خود نیازمند مراقبت و نگهداری دیگران است و نمیتواند امانتدار و حافظ کودک باشد. به علاوه انتقال امر حضانت به ولیّ مادر محتاج دلیل است، حال آنکه دلیلی بر آن وجود ندارد (روحانی، ۳۰۷: ۱۴۱۲). چه اینکه حضانت طفل نظیر حق شفعه، حق تحجیر، خیار فسخ و امثال آن نیست تا با از بین رفتن صلاحیت مادر، امر به ولیّ او منتقل شود، بلکه حضانت تکلیفی بر عهده شخص (مادر) است که با تحقق جنون امکان انجام دادن آن وجود نخواهد داشت (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). از سوی دیگر اگر جنون ادواری باشد و بسیار نادر و کوتاه، مدت رخ دهد به نحوی که مضر به سلامت جسمی و روحی طفل نباشد، مانع اعمال حق دارنده حضانت نخواهد بود و عموم ادله این مورد را نیز در برمیگیرند. در حقوق ایران، ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی بر شرط عقل صراحت دارد و مقرر می کند مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا به جنون شود ...، حق حضانت با پدر خواهد بود». البته از آنجا که جنون مادر در این ماده موضوعیت ندارد و ملاک حکم در جنون سایر دارندگان حضانت یکسان است، باید حکم ماده مذکور در مواردی که عارضه جنون گریبانگیر پدر، مادر یا جد پدری میشود نیز اجرا شود، به ای نترتیب در صورت جنون شخصی که طفل تحت حضانت اوست، حضانت ساقط میشود و نگهداری کودک با دیگری خواهد بود، خواه جنون دائمی باشد یا ادواری؛ مگر آنکه عارضه جنون چندان نمیتوان از ابوین یا از پدر و یا مادری که حضانت با اوست گرفت، مگر در صورت وجود علت قانونی». به این ترتیب ظاهراً در قانون مدنی بنا به ملاحظاتی به عمد کفر در زمره موانع حضانت آورده نشده و راه حل ب ه روی قضایی واگذار تشده اس . با وجود این در هر مورد که به دلیل انحطاط اخلاقی پدر و مادر، سلامتی جسمی یا روحی فرزندان در خطر باشد، دادگاه باید نگهداری از او را به دیگری بسپارد. همچنین در محاسبه مصالح و مفاسدی که سپردن طفل به پدر یا مادر دارد، دادرس اعتقادات مذهبی آنان را، به عنوان یکی از عوامل مهم اخلاقی در نظر میگیرد (کاتوزیان، ۱۵۹: ۱۳۸۹ - ۱۶۱۰).

ب) فسق و انحطاط اخلاقی: یکی دیگر از شرایط حاضن یا حاضنه امین بودن است، پس فسق مانع دیگر اجرای حق حضانت محسوب میشود. گرچه مشهور فقهای امامیه این شرط را ذکر کرده د، نا برخی قائل به عدم اشتراط عدالت یا امانت هستند با استدلال به اینکه اصل حضانت، شفقت است که در مادر و پدر بنا به طبعی که خدا در ایشان قرارداده، همواره موجود است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۹۳). اما بطلان این سخن با توجه به واقعیات جامعه و موارد نقض موجود آشکار است و به بحث نیاز ندارد. دلایلی که برای اشتراط امانت میتوان برشمرد ۱: عبارتند از . تنافی با ولایت: کسانی که حضانت را ولایت بر کودک خوانده اند، آن را منافی فسق می دانند چه اینکه فاسق ولایت ندارد؛ ۲. عدم اطمینان و ترس از خیانت شخص فاسق در امور کودک؛ ۳. ه ایجاد زمین بدآموزی و انحراف طفل (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۴). ۴. پیدایش عسر و حرج: تکلیف به تسلیم

کودک به شخص غیرامین، مستلزم عسر و حرج است (موسوی عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۶۹ برخی فقها گذشته از امانت، عدالت را نیز شرط میدانند. اولین بار شیخ طوسی در المبسوط شرط عدالت را برای حضانتکننده اینگونه مطرح کرد: «عادل بر فاسق برتری دارد» (طوسی ۱۳۸۷، ج ۶: ۴۰). با وجود این علامه حلی در قواعد الاحکام عدم اشتراط عدالت را اقرب دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۰۲ در مقام جمع سخن علامه در قواعد با سخن شیخ و به بیان دیگر جمع میان عدم اشتراط عدالت و اشتراط عدم فسق، میتوان گفت که عدالت حضانتکننده شرط نبوده است و لازم نیست احراز شود، بلکه کافیت فسق او ظاهر نشود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۸۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۴ در راستای شرط فوق، مُماد ۱۱۷۳ اصلاحی مورخ ۱۳۷۶/۸/۱۱ قانون مدنی مقرر میدارد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه میتواند به تقاضای ارباب طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است. ۱. اعتیاد زیناآور به الکل، مواد، مخدر و قمار. ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا؛ ۳. ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی. ۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی گری و قاچاق. ۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف. گفتنی است در قسمت دوم ماده اصلاح، مصادیقی برای عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی ذکر شده که در واقع تفسیر قسمت اول ماده است و جنبه حصری ندارد، بلکه ممکن است موارد دیگری نیز مشمول عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی دارنده حضانت باشد که تشخیص آن با دادگاه است (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۳۵۲ مطابق بند ۵ ماده فوق، در صورت بروز رفتارهای خشونتبار و تنبی ههای خارج از حد متعارف به طوری که سلامت جسمی و تربیت اخلاقی کودک به خطر افتد دادگاه میتواند حق حضانت را معلق کند و به هزینه پدر به دیگری بسپارد. با وجود این برخلاف ناتوانی و بیماری و انحطاط اخلاقی که سبب سقوط حق حضانت بهطور کلی میشود، احتمال دارد مانع خشونت نسبی و تنها ناظر به یکی از فرزندان باشد. چه اینکه ممکن است پدر یا مادر نسبت به یکی از فرزندان خود خشونت ورزند و درباره سایرین رفتار معقول داشته باشند. پس دادگاه شاید بخشی از اختیار حضانت را درباره همان فرزند معلق دارد و سایر فرزندان را در اختیار آنان باقی گذارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

ج) صغیر بودن: یکی از شرایط دارنده حق حضانت بلوغ است. به کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد، صغیر گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴). مدخل صغیر با توجه به و روایات، بلوغ در اسلام بهمعنای رسیدن طفل به سنی است که در آن قوای ۱ آیات قرآن جسمی و غریز جنسی او نمو کافی یافته و آماده توالد و تناسل است (مرعشی، ۱۳۷۱: نادر یا کوتاهمدت باشد که در عرف نتوان او را دیوانه نامید. در این فرض، بیماری

روانی نیز مانند سایر بیماریها مانع اجرای حق حضانت نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۸). ه ابتلا به بیماریهای مسری: در این زمینه فقهای امامیه دو نظر مطرح کرده اند: هاول اینک حق حضانت ساقط می شود به دلیل ترس از ضرر رسیدن به کودک و نیز دو روایت از رسول اکرم (ص): «فرّ من المجذوم فرارک من الأسد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۵۷ و «لایورد ممرض علی مصحّ» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱): ۴۶۹. بنا بر نظر دوم حق حضانت ساقط نمی شود چرا که این حکم با اطلاق ادله منافات دارد. به علاوه امر نگهداری طفل شاید با مباشرت غیر صورت گیرد و لذا خوف ضرر برطرف دشو (نجفی،

۲۸۸). ج ۳۱، ۱۴۰۴ در حقوق ایران نیز با استفاده از ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی میتوان استنباط کرد از آنجا که بیماری ساری حضانتکننده، سلامت جسمانی کودک را به خطر می اندازد، پس این هم یکی از موانع حق حضانت است (لطفی، ۲۷۳: ۱۳۸۹ در این زمینه حقوقدانان بر این عقیده ناند که ای گونه بیماری درها صورتی مانع از اجرای حق حضانت هستند که اولاً امکان سرایت بیماری به طفل وجود داشته باشد و ثانیاً این سرایت برای سلامت طفل خطر جدی به بار بیاورد، خطری که ارزش جدا کردن کودک از پدر یا مادرش را داشته باشد. به همین علت دادگاه باید چگونگی و اندازه خطر را تعیین کند، بنابراین در این زمینه مانند جنون یا شوهر کردن مادر نمیتوان حکم نوعی داد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۶۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۳۵۸: ۱۳۹۱ و) ازدواج مجدد مادر: یکی از شروطی یکة فقها اسلام برای حضانت مادر بر شمرده اند، فراغت از حقوق زوجیت است. به این بیان که چنانچه مادر در مدتی که برای حضانت اولویت دارد، به دیگری شوهر کند، حق او ساقط و حضانت کودک به پدر منتقل می دشو. برای مانعیت ازدواج مادر شرایطی شمرده اند از جمله اینکه به غیر پدر و در زمان حیات و کامل او (یعنی رقی، کافر یا مجنون نباشد) شوهر کند. در غیر اینصورت ازدواج مادر مانع حضانت نخواهد بود (شهید ثانی، ۱۳۸۵: ۴۸۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۷۰). مهمترین دلیلی که مستند فقها قرار گرفته، روایات وارد در مسئله است همچون یوایت داوود رقی ۵، مرسل (منقری کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۵)، روایت عبدالله بن عمر و بن العاص (شوکانی، بی تا: ۱۳۸). (ذالبتة ادل دیگری نیز مطرح شده است، مانند اجماع (شهید ثانی، ۱۳۸۵: ۴۸۸) که با وجود روایات وارد در مسئله، اجماع مدرکی بوده و حجیت ندارد. برخی نیز معتقدند ازدواج، مادر را به حقوق زوجیت مشغول میکند و از انجام حدادن وظایف ضانت باز میدارد. صاحب جواهر دبا ر این دلیل معتقد است میان آن دو منافاتی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۲۹۰). در حقوق ایران نیز فُماذ ۱۱۷۰ قانون مدنی مقرر میدارد: «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است... به دیگری شوه، ر کند حق حضانت با پدر خواهد بود». به این ترتیب در حقوق ایران شوهر کردن مادر از موانع اجرای حق حضانت به شمار میرود. البته این امر در صورتی است که پدر طفل زنده باشد وگرنه حضانت مادر باقی می ماند امامی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۱۹۶). (دبا وجو این حق تقدم مادر نسبت به سایر خویشان تا زمانی ثابت است که صدمه جسمی یا روحی در اثر زندگی در خانه ناپدری به

کودک وارد نیاید، بلکه اگر ضرورتی اقتضا کند، دادگاه خواهد توانست حضانت را به جد پدری یا قیم بسپارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

ز (سفر و تغییر مکان زندگی: سفر از جمله موانع حق حضانت است که صور متفاوتی برای آن از سوی فقها نقل شده است) ، شهید اول بیضا، ج ۱ : ۳۹ ، طوسی ۱۳۸۷ ، ج ۶ : ۴۰ . (با اینحال نظرهای مذکور برگرفته از کلام فقهای عامه است و هیچ مستند فقهی از آیات و روایات ندارد و دلیلش غیرواضح است (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ، ج ۱ : ۴۶۹ ؛ بحرانی ۹۴ : ۱۴۰۵). بنابراین در صورت سفر پدر یا مادر دارنده حق حضانت، دادگاه باید با ملاحظه مصلحت کودک تصمیم لازم را اتخاذ کند . (عباس کریمی و الهه محسنی ، موانع اجرای حضانت در فقه امامیه ، زمستان ۱۳۹۳ ، شماره ۲)

۲.۷. شرایط سلب حضانت از پدر به دلیل بیماری روانی

اولا ؛ سلب حضانت از پدر به علت بیماری های روانی صرفا در شرایطی امکان پذیر است که ابتلای مرد به بیماری های روانی مذکور ، به تایید پزشکی قانونی به عنوان کارشناس رسیده باشد ؛ لذا اگر مدارک کافی جهت ابتلای مرد به بیماری روانی موجود نباشد ، نمی توان حضانت پدر بر فرزند را لغو نمود .

ثانیا ؛ ابتلای مرد به بیماری های روانی در صورتی موجب سلب حضانت فرزند از وی می شود که بیماری روانی مذکور به درجه ای بوده باشد که مصلحت طفل را به خطر اندازد ؛ به عنوان مثال جنون پدر سبب از بین رفتن صلاحیت وی برای حضانت فرزند می شود و به همین دلیل ، ادامه حضانت فرزند توسط وی ، کودک را دچار مخاطرات جسمانی و روحی فراوانی می سازد و به همین دلیل ، می توان حضانت پدر را لغو نمود . در صورتی که شرایط سلب حضانت از پدر به دلیل بیماری روانی موجود بود ، می توان به دادگاه خانواده مراجعه نمود و دادخواست سلب حضانت از پدر به علت بیماری روانی را به دادگاه ارائه داد و دادگاه نیز در صورت احراز شرایط مذکور ، حکم به لغو حضانت پدر صادر خواهد کرد و تصمیم مقتضی در خصوص مسئله حضانت فرزند را اتخاذ خواهد نمود .

لذا در شرایطی که پدر کودک مبتلای به یکی از انواع بیماری های روانی شده باشد ، به حکم قانون مدنی می توان از وی سلب حضانت نمود ؛ چرا که اصولا بیماری های روانی سبب از بین رفتن قدرت و صلاحیت به عهده گرفتن حضانت فرزند توسط شخص مبتلا به بیماری های روانی خواهد شد و از همین طریق

مصلحت کودک به خطر خواهد افتاد. برای نشان دادن عدم صلاحیت پدر برای حضانت فرزند، مادر باید دادخواست عدم صلاحیت و نبود ویژگی های لازم در پدر برای نگهداری از فرزند را برای دادگاه اثبات نماید. به عنوان مثال اگر مادر فرزند این اعتقاد داشته باشد که پدر به علت معتاد بودن و مصرف بیش از حد مشروبات الکلی وی سبب آزار و اذیت فرزند می شود باید برای این ادعای خود شاهد و مستندات لازم را جمع آوری کرده و تمام آن را ضمیمه دادخواست عدم صلاحیت پدر برای حضانت نماید. همانطور که در قسمت پیشینه بیان شد، تاکنون هیچ پژوهشگر و محقق در این موضوع ورود نکرده و مورد بحث و تحقیق قرار نگرفته است. با توجه به تحقیقات و پژوهش های علمی و میدانی نویسندگان در این مقاله در خصوص چگونگی سلب حضانت پدر مبتلا به این بیماری (که این تحقیقات به عمل آمده قابل درمان نیست) مواردی به دست آمده است که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت. همانطور که گفته شد: در فرد مبتلا به این بیماری نوسان خلق زیادی مشاهده می شود که این نوسان و بی ثباتی که در شخصیت فرد بیمار وجود دارد قطعاً در تربیت و سبک فرزند پروری اش تاثیر مستقیم دارد. عواقب این تربیت نادرست میتواند به رها کردن فرزند، و تربیت سهل گیرانه اشاره کرد. فرزندی که تحت حضانت یک والد دوقطبی است به این علت که خلق والد بیمار دائماً بین دو فاز افسردگی و شیدایی در نوسان می باشد طبیعتاً تاثیر منفی چشمگیری روی رفتار والد دارد و این رفتار منفی باعث عدم امنیت و ثبات روانی فرزند می شود.

والد بیمار هنگامی که در فاز افسردگی باشد امکان به وجود آمدن چند حالت وجود دارد:

۱- بیخیالی و رها کردن فرزند (تربیت سهل گیرانه) این نوع تربیت در فاز شیدایی کاملاً خلاف حالت قبل می باشد و والد سعی دارد تربیت فرزند را به سمت تمایلات ذهنی خود بگشاند و در این کش و قوس های اخلاقی و رفتاری فرزند دچار دوگانگی ذهن نسبت به والد خود شده و احساس ناامنی به او دست می دهد که در نتیجه آن فرزند در محیط خارج خانه به دنبال امنیت و ثبات اخلاقی می گردد. این نوسانات همچنین باعث پرخاشگری و افسردگی فرزند نیز می شود که فرزند را مجاب به گریز از محیط ناامن خانه میکند. فرزند نوجوانی که در این سن به این نوع افسردگی (که در علم روانشناسی به سلوک معروف می باشد) مبتلا میشود، در جامعه بسیار آسیب پذیر و شکننده می باشد. در پی این موارد گفته شده، امکان روی آوردن فرزند به گروه ها و باندهای نامتعارف جامعه برای کسب امنیت و خارج شدن از حالت افسردگی وجود دارد. ارتباط با این افراد که در روانشناسی به آنتی سوشیال معروف اند در شکل گیری شخصیت فرزند تاثیر زیادی دارد و از دیگر موارد منفی این موضوع پناه بردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر و... است که در نتیجه فرار فرزند از والد و محیط بی ثبات خانه می باشد. یکی دیگر از مواردی که از نظر نویسنده این مقاله مهم ترین مورد این موضوع می باشد، عدم امنیت جانی فرزند است. با توجه به مطالب این مقاله که تماماً به استناد

منابع معتبر بیان شده است، و همچنین تحقیقات نویسنده این مقاله در این موضوع و مصاحبه و ارتباط نزدیک با این بیماران و مطالعه پرونده روانپزشکی یک نفر از افراد مبتلا، قصد و اقدام به خودکشی و فرزندکشی بر پرونده و اظهارات خود بیمار بوده است. طبق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی که بیان دارد: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقرای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشا

۳- ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشک قانونی

۴- سواستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به ضداخلاقی

۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف

که در این موارد مورد سوم در خصوص موضوع این مقاله صدق می کند و مطالب این مقاله به طور قاطعانه حضانت فرزند را از فرد مبتلا به بیماری روانی دو قطبی یا (بای پولار) سلب می کند.

۸. نتیجه گیری

نتیجه: "در این مقاله، به بررسی مفهوم و موارد عدم مراقبت و فروپاشی اخلاقی والدین و تاثیر آن بر حضانت فرزندان پرداختیم. به وضوح ظاهر است که حضانت فرزندان با افرادی که قدرت لازم برای نگهداری و پرورش آنها را ندارند، منجر به صدمات جسمانی و روحی بسیاری می شود. به همین دلیل، قانونگذار شروطی برای سلب حضانت بر اثر عدم مراقبت یا فروپاشی اخلاقی والدین تعیین نموده است. بنابراین، در صورتی که تربیت اخلاقی یا سلامت جسمانی طفل تحت حضانت یکی از والدین در خطر باشد، دادگاه میتواند حضانت طفل را از والدین مذکور سلب نماید. این تدبیرات حقوقی برای حفاظت از روان و جسم کودکان بسیار حائز اهمیت است." در صورت اختلال دو قطبی پدر در هر صورتی که پزشک متخصص تشخیص دهد که بیماری پدر برای فرزند خطری محسوب می شود، دادگاه حضانت پدر را از فرزند سلب می کند.

منابع

- ۱- حسینی روحانی، سید محمد، منهاج الصالحین، ج ۲، کویت، مکتبه الالفین، ۱۴۱۴ هـ
- ۲- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ هـ
- ۳- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ هـ - جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، شرح اللمعه دمشقیه، ج ۵، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۹۴ م - مسالک الأفهام فی شرح شرایع السلام، ج ۸، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۶۳
- ۴- جیلانی قمی، ابو القاسم، جامع الشتات، ج ۲، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱
- ۵- درازی بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضره، ج ۲۵، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا
- ۶- سیاری، علی اکبر، و دیگران «بررسی کودک آزاری جسمانی در مراجعان سهدرمانگاه تخصصی اورژانس کودکان در تهران»، فصلنامه پژوهشی توانبخشی، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، ش ۶-۱۳۸۰، ۷
- ۷- صفایی، سید حسین و اسد الله امامی حقوق خانواده، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- ۸- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ هـ
چاپ اول
- ۹- عامل، سید محمد، نهاییه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، ج ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ هـ چاپ اول {E-E} - کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ج ۲، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱ - مغنیه، محمد جواد، الزواج و الطلاق علی المذاهب الخمسه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۶۴ م
- ۱۰- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ هـ.
- ۱۱- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- شعبی، فاطمه، مقاله دو قطبی، سال ۱۳۹۲.
- ۱۳- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۸.
- ۱۴- شعبی، فاطمه، مقاله دو قطبی، سال ۱۳۹۲.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد ۲، تهران، انتشار.

- ۱۶- سید فرنام ، مجموعه داستان افسردگی و اختلال دوقطبی، جلد ۱ ، ص ۴۰ ، سال ۱۳۹۶، انتشارات پر .
- ۱۷- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوقی ، گنج دانش ، جلد ۱ ، شماره ۱۷۲۰.
- ۱۸- عباس کرمی و الهه محسنی ، موانع اجرای حضانت در فقه امامیه، زمستان ۱۳۹۳ ، شماره ۲ .
- ۱۹- مهدی گنجی ، آسیب شناسی روانی بر اساس DSM_5، جلد ۲، ص ۲۰ ، ساوالان .
- ۲۰- یحیی سید محمدی، آسیب شناسی روانی، سال ۱۴۰۱، جلد ۱، ص ۱۰ ، تهران ، نشر روان .
- ۲۱- سوزان کراس ویتبورن و ریچارد پی هالچین ، مترجم یحیی سید محمدی، آسیب شناسی روانی، سال ۱۴۰۰، جلد ۲، ص ۳۰۶ .
- ۲۲- حسینی روحانی ، سید محمد ، منهاج الصالحین ، جلد ۲ ، کویت ، مکتبه الالفین ۱۴۱۴.
- ۲۳- حلی (علامه) حسن بن یوسف ، قواعد الاحکام ، ج ۳ ، قم ، موسسه نشر اسلامی ، ۱۴۱۳.
- ۲۴- نجفی ، محمدحسن ، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام ، ج ۳۱ ، تهران ، دارالکتابته اسلامی ۱۳۶۷.